



2017/04/25

جلیل غنی هروی

خونبار ترین حمله دهشت افغانان بر سر بازان افغانستان

درین هفت افغانستان یکی از خبر ساز ترین کشورها در حوزه جنوب شرق آسیا و شرق میانه بود و بیشترین توجه جهانیان را به خود جذب نمود ولی باز هم با کمال تاسف که حوادث هفته گذشته آنقدر دلخراش و المناک بود که هر انسان با احساس را از هر قوم و قبیله و عشیره و هر نقطه از جهان با هر عقیده و ایمان، به نام انسانیت و شرف انسانی متأثر و متالم می ساخت.

روز جمعه گذشته بود که خونواران و آدم کشان قرن بیست و یکم و غافل و عاری از هر احساس انسانی و عقیدتی و دشمنان سوگند خورده و اجیران دد منشان منظوقی بر آن سپاهیان و مدافعین نوامیس ملی، استقلال و تمامیت ارضی و شرف انسانی و افغانی که در خانه خدا در مسجد به درگاه رب العزت به عبادت مشغول بودند و نماز فرض جمعه را ادا میکردند، حمله نمودند و در حدود دو صد سرباز بیگناه عابد را به خاک و خون کشیدند و ده ها نفر دیگر را زخمی ساختند. هیچگونه نامی و اسمی و رسمی بر چنین عملی نمی توان گذاشت جز آنکه باید گفته شود که این خود فروختگان نه به عقیده و اسلام، که به نام این دین مقدس و منزه آدم می کشند، تعلق دارند و نه به انسان و انسانیت و گروه وحشی و نماد بربریت و تحجر و نفرت و قساوت جهالت باشند. قتل یک مسلمان، به قول اشرف الانبیا، سرور کائنات فخر عالم پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد(ص) قتل یک انسان به معنی قتل یک جمعیت است، هیچ گونه توجیهی برای چنین عمل وحشیانه و غیر انسانی داشته نمی تواند.

با تاسف که هر هفته با تحلیل وقایع و رویداد های در خدمت شما قر می گیریم که بر رنج و درد و غم شما می افزاید. ولی این غم و این اندوه، این خون خواری های و انسان کشی ها، این بی رحمی های و قساوتها، این خونریزی ها و برادر کشی ها، این ویران گری ها و وحشی گری ها تا زمانی ادامه خواهد یافت که خود فروختگی، مزدوری، جهالت و انحراف از موازین و آموزه های اسلامی و انسانی و دست اندازی های خصمانه مشتی از منفعت جویان داخلی و خارجی که یا در پی بدست آوردن منافع اقتصادی نا مشروع از قاچاق معادن و مواد مخدر و فساد مالی هستند و یا آزمندان و دشمنان خارجی افغانستان که در صدد بدست آوردن امتیازات نا مشروع سیاسی و تسلط بر منابع طبیعی و حاکمیت بر ملت شجاع و آزاده افغانستان هستند، دوام داشته باشد. عدم موجودیت اتحاد و همبستگی بین اقوام و قبایل و عشایر، مناطق و سمت ها و حوزه های مختلف که جامعه افغانی را تشکیل داده و از صد ها و هزاران سال پهلوی هم زندگی کردند از یک طرف، و فقدان یک حکومت

ممثل واقعی جامعه کثیرالذات افغانستان از جانب دیگر موجب نا رضایتی و مخالفت تنگ نظرانی گردیده که شئون طلبی های مختلف ناشی از ضعف احساس تعلقات ملی و وطنی، سمت حرکت غیر انسانی و افغانی آنها را تعیین میکند و زمینه استخدام چنین سست عنصر ها را توسط دشمنان افغانستان میسر ساخته است.

مدافعین استقلال و شرف و نوامیس ملی افغانستان بار دیگر به اثبات رسانیدند که استعمال کلمه موزون و بجای ((سرباز)) برای آنها کاملاً صدق میکند. روزی نیست که این سربازان در نبرد با دشمنان افغانستان، سر بازی نکنند و قربانی ندهند. ولی این دشمنان مردم افغانستان و خائنین به خاک و وطن و ملت مسلمان و متدین و جانباز افغانستان هستند که دست از خونریزی و برادر کشی نمی کشند و حامیان و رهنمایان و با دران شان فکر میکنند که می توانند این ملیت غیور و با شهامت را با چنین اعمال زشت غیر انسانی و مغایر تمام موازین و آموزه های اسلامی و جهانی در انقیاد در آوردند.

قتل در حدود دو صد سر باز و نظامی دیگر در قول اردوی دهادی ولایت بلخ ضعف اداره، استخبارات و نا کامی و نا بکاری مطلق قوای امنیتی بخصوص وزارت دفاع افغانستان را آشکار ساخت و فشار افکار عامه وزیر دفاع و لوی درستیز قوای مسلح را مجبور به استعفی نمود، گر چه گفته میشود که داکتر اشرف غنی آنها را بر کنار کرده ولی برای حفظ آبروی دو جنرال بلند رتبه چنین وانمود شد که گویا آنها استعفی دادند. در عین زمان تغییر و تبدیلی های دیگری هم در لایه های بلند قوای نظامی اعلان گردید و گفته میشود که این تغییر و تبدیلی ادامه خواهد یافت. اما آیا چنین تبدیلی ها دردی را دوا خواهد کرد و از پیش آمد ناگواری از این قبیل جلو گیری خواهد؟

اگر چنین می بود سالها قبل باید از اعمال تروریستی و خونریزی ها وحشت و دهشت در افغانستان جلو گیری میشد.

غم شریکی و اشک ریختن و محکوم نمودن چنین اعمالی یک امر عادی شده و یک متن با ذکر نام و محل و تعداد و شهدا، سفید گذاشته شده و هر زمانیکه حادثه مشابه صورت میگیرد دفتر مربوطه این خالی گاه را پر نموده و آنرا به رسانه میدهد و یا در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام میدارد.

سرشک از رخم پاک کردن چه حاصل
علاجی بکن کز دلم خون نیاید

احترام به شهدا و غم شریکی با خانواده های این شهدای گلگون کفن، اگر کفنی هم داشته باشند، چون دیده شد که حتی برای این شهدا هنگام تسلیمی میت شان به خانواده ها کفن هم داده نشده بود، عزای ملی که سال چند باری اعلام میگردد برای احترام و اتحاف دعا به روح پر مفتوح این شهدا کار خوبی است ولی هیچ دردی از درد های مادر ستم دیده که تابوت فرزند جوانش را به او می سپارند و همسر جوان و اطفال معصوم و بیگناه این شهید را آرامش نمی بخشد و یا التیام زخم خون چکان آن پدري نیست که یگانه فرزندش را برای دفاع از خاک پاک به دولت می سپارد.

تا زمانیکه اصلاحات و تغییرات بنیادی در ساختار و ترکیب حکومت، تعیینات بر حسب شایسته سالاری که همواره از آن یاد می شود ولی هیچ وقت عملی نشده، حاکمیت ضوابط بر روابط در تعیینات، جلو گیری از خویش خوری ها، از بین بردن فرهنگ معافیت به دلایل متعدد، جلو گیری از نفوذ فرصت طلبان سیاسی و

پیروان اعتقادات سیاسی مختلف و مخالف حکومت در دستگاه نظامی عملی نشود، باز هم این جوانان و سر بازان افغان خواهند بود که قربانی این همه بی عدالتی ها و فروگذاشت های دستگاه حاکمه میشوند. به امید چنان روزی و به آرزوی ایامی که شاهد حکومتی ممثل واقعی مردم افغانستان و مبری از همه زد و بند های سیاسی، قومی، قبیله‌ای، منطوقی، سمتی و زبانی و خدمتگار واقعی ملت افغانستان، صرفنظر از تمام این تنگ نظری ها در افغانستان باشیم

پایان

